

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال پنجم، شماره‌ی هجدهم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۲-۱

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزیین آثار سلجوقیان در ولایت برخوار اصفهان

سعید امیرحاجلو،* جواد نیستانی**

چکیده

سؤال اصلی مقاله این است که الگوی پراکندگی، ساخت و تزیین بناهای دوران سلجوقی چگونه است؟ بدین منظور، داده‌های اولیه با روش میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری و طبقه‌بندی شده و شهرها، روستاها و شواهد معماری برخوار در دوره‌ی سلجوقیان معرفی شده است. سپس عناصر معماری و کارکرد آثار با مطالعه نقشه‌ی بناها معرفی شده و بر پایه‌ی مقایسه‌ی تطبیقی، الگوی حاکم بر ساخت و تزیین آنها تبیین شده است. پس از آن، با استفاده از نظریه‌ی مکان مرکزی کریستالر، سکونت‌گاه‌های مرکزی و اقماری دشت برخوار شناسایی و نحوه اثرگذاری و اثرپذیری مراکز سکونت‌ی این دوره بر یکدیگر، مطالعه و مکان‌های مرکزی و اقماری معرفی شده است.

از مهم‌ترین دستاوردها و نتایج مقاله، وجود الگوی مشخص در ساخت کاروانسراها و مساجد سلجوقی برخوار است. به عبارت بهتر، الگوی ساخت کاروانسراهای برخوار استفاده از نقشه‌ی منظم، متقارن و از قبل تعیین‌شده، شکل‌یابی بر محور مخالف با وزش بادهای مخرب شرقی، شمالی و غربی (محور مورب)، پلان چهارایوانی، قرارگیری اتاق‌های سکونت مسافران در چهار طرف حیاط، استفاده از سنگ لاشه به عنوان مصالح اصلی، استفاده از گل و گچ به عنوان ملات و اندود و عدم وجود تزیینات در کاروانسراها را نشان می‌دهد.

* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه جیرفت (نویسنده مسئول مکاتبات) (Saeed.hajloo@gmail.com)

** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (J.neyestani@modares.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۹/۲۰ - تاریخ تأیید: ۹۳/۰۳/۰۵

همچنین الگوی مشترک مساجد سلجوقی برخوار شامل گنبدخانه‌ی کاملاً همسان و هم‌اندازه، فرم اولیه‌ی یک ایوانی، تک مناره‌ی شاخص با تزیینات آجرکاری با نقوش لوزی‌شکل به شیوه هشت‌و‌گیر، تزیینات آجرکاری، تویب‌های گچی ته‌آجری و آجرلعبدار در گنبدخانه‌ها، کتیبه‌های کوفی ساده و کوتاه، تزیین آجر پیش‌بر با نقوش گره‌چینی شش‌بند و شمسه و ترنج است. همچنین از دیگر نتایج این پژوهش، شناسایی مکان‌های مرکزی و اقماری در دشت برخوار است.

واژه‌های کلیدی: معماری سلجوقی، اصفهان، برخوار، مساجد سلجوقی، کاروانسراهای سلجوقی.

مقدمه

شکل‌گیری و گسترش بخش مهمی از بافت شهری اصفهان، پیامد حضور سلاطین سلجوقی در اصفهان بود. با گسترش شهر اصفهان در این عصر، مراکز شهری و روستایی پیرامون آن نیز توسعه یافتند. یکی از ولایات مهم اصفهان در این دوره، برخوار، در حاشیه‌ی شمالی دشت اصفهان واقع شده بود. شهرها و روستاهای ولایت برخوار بر سر شاهراه اصلی اصفهان - ری، در این دوره، همچون شهر اصفهان گسترش یافتند و ساخت و سازهایی در آنها انجام شد. هدف از این پژوهش، تبیین الگوی پراکندگی آثار، مطالعه‌ی گونه‌شناسی آثار و نحوه‌ی ارتباط و تعامل میان سکونت‌گاه‌های این حوزه تاریخی بوده است. بر این اساس، سؤالاتی مطرح است: پراکندگی آثار دوران سلجوقی در دشت برخوار چگونه است و سکونت‌گاه‌های کانونی و اقماری چگونه قابل تبیین هستند؟ - سبک یا الگوهای حاکم بر سازه و تزیین آثار معماری سلجوقیان در دشت برخوار چگونه است؟

به منظور پاسخگویی به این سؤالات، در این مقاله، ابتدا شهرها، روستاها و شواهد معماری سلجوقیان در برخوار معرفی شده است. شیوه گردآوری اطلاعات در این مقاله، بررسی میدانی نگارندگان در دشت برخوار، مراجعه به منابع مکتوب دوران اسلامی و پژوهش‌های جدید بوده است. سپس عناصر معماری و کارکرد بناهای پابرجا یا نیمه‌ویران

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۳

با مطالعه‌ی نقشه‌ی بناها معرفی شده است. همچنین، برپایه مقایسه‌ای تطبیقی، الگو یا الگوهای حاکم بر ساخت و تزئین در بناسازی برخوار در این عهد تبیین شده است. سرانجام نحوه اثرگذاری و اثرپذیری این مراکز سکونتی، بر پایه‌ی الگوی پراکندگی آثار مطالعه شده و سکونت‌گاه‌های مرکزی و اقماری دشت برخوار در دوران سلجوقی تحلیل شده است.

تمامی پژوهش‌های به انجام رسیده درباره‌ی آثار دشت برخوار، به صورت تک‌نگاری و توصیف تک‌بناها بوده است و درباره‌ی وجود سبک‌های معماری و ارتباط میان آثار، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. مساجد جامع دو شهر گز و سین در کتاب مساجد ایران معرفی شده‌اند.^۱ همچنین در کتاب قلعه تاریخی مورچه‌خورت؛ دروازه ورودی به پایتخت کهن ایران، روستای تاریخی مورچه‌خورت معرفی و نقشه‌ها و تصاویری از آثار روستا ارائه شده است.^۲ در یک رساله‌ی دکتری، ارگ روستایی مورچه‌خورت، تحلیل فضایی شده است.^۳ از کتاب‌های ارزشمند درباره‌ی برخی از بناهای تاریخی نواحی شمالی دشت اصفهان، راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها است.^۴ لطف‌الله هنرفر نیز در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان، به توصیف و خوانش کتیبه‌های مسجد جامع گز پرداخته است.^۵ سایر منابع و پژوهش‌ها بر آثار دوران ایلخانی تا قاجار در برخوار متمرکز شده‌اند.

۱. سیدکمال حاج‌سیدجوادی، (۱۳۷۵)، مساجد ایران؛ دراسة، تاریخی، حضاری، آثاری، فنی، الجزء الاول، طهران: دارسروش للطباعة و النشر و المعاونه الثقافیه و الارشاد الاسلامی، ص ۲۷۶، ۲۹۹.
۲. محمدرضا منوچهری، (۱۳۸۷)، قلعه تاریخی مورچه‌خورت؛ دروازه ورودی به پایتخت کهن ایران، شرکت عمران و مسکن سازان منطقه مرکزی، تهران: سمیرا، ص ۲۳، ۴۹-۴۷.
۳. احمدی، عباسعلی، «فضا و جامعه در شهرک‌های اقماری اصفهان عصر صفوی: مطالعه موردی مورچه‌خورت و قورتان»، رساله دکتری تخصصی باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به راهنمایی دکتر حسن کریمیان (منتشر نشده)، (۱۳۸۸).
۴. ماکسیم سیرو، (۱۳۵۷)، راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و راه‌های وابسته به آنها، مهدی مشایخی، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ص ۹۳، ۱۰۲-۹۸، ۱۱۱-۱۱۰، ۱۱۴-۱۱۵، ۳۶۹-۳۶۵.
۵. هنرفر، لطف‌الله، ۱۳۴۴، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: کتابفروشی ثقی، صفحات: ۸۸ و ۱۵۸.

موقعیت جغرافیایی و پیشینه تاریخی منطقه‌ی مورد مطالعه

وسعت و محدوده‌ی برخوار قدیم، در شمال دشت اصفهان با شهرستان فعلی برخوار و بخش مرکزی شهرستان شاهین‌شهر و میمه منطبق است (نقشه ۱). این محدوده، در منابع تاریخی با نام‌های «برخوار، برخار، بلخار» ثبت شده است.^۱ بنا بر نوشته‌ی ابن‌رسته در قرن سوم هجری، کاخ‌هایی که به دستور خسرو اول ساسانی برای هم‌درس‌هایش در برخوار ساخته شده بود، تا قرن سوم هجری پابرجا بودند.^۲ حمزه اصفهانی به آتشکده‌ای اشاره کرده که اردشیر درازدست در دارک برخوار ساخته بود.^۳ حافظ ابونعیم، در شرح فتح اصفهان به این آتشکده اشاره کرده است.^۴

برخوار در دوران اسلامی نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود؛ مؤید این موضوع، ۱۳۶ اثر تاریخی باقیمانده یا تخریب‌شده از دوران صدراسلام تا قاجار در برخوار است.^۵ در قرن سوم هجری، ابن‌خردادبه در بیان منازل راه اصفهان - ری، برخوار را نخستین منزل پس از یهودیه (اصفهان) و به فاصله‌ی سه فرسخی یهودیه دانسته است.^۶ یعقوبی، ابن‌رسته و ابن‌فقیه برخوار را یکی از رستاق‌های اصفهان محسوب کرده^۷ و یعقوبی، پیشه اصلی مردم آن را کشاورزی ذکر کرده است.^۸

۱. یعقوبی، (۱۳۸۱)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۴۱؛ ابن‌رسته، (۱۳۶۵)، العلاقات النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر، ص ۱۸۱؛ ابن‌خردادبه، (۱۳۷۰)، المسالك و الممالک، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: بی‌نا، ص ۲۰.

۲. العلاقات النفیسه، ص ۱۸۲-۱۸۱

۳. حمزه اصفهانی، (۱۳۶۷)، تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، ترجمه جعفر شعاع، تهران: امیرکبیر، ص ۳۸

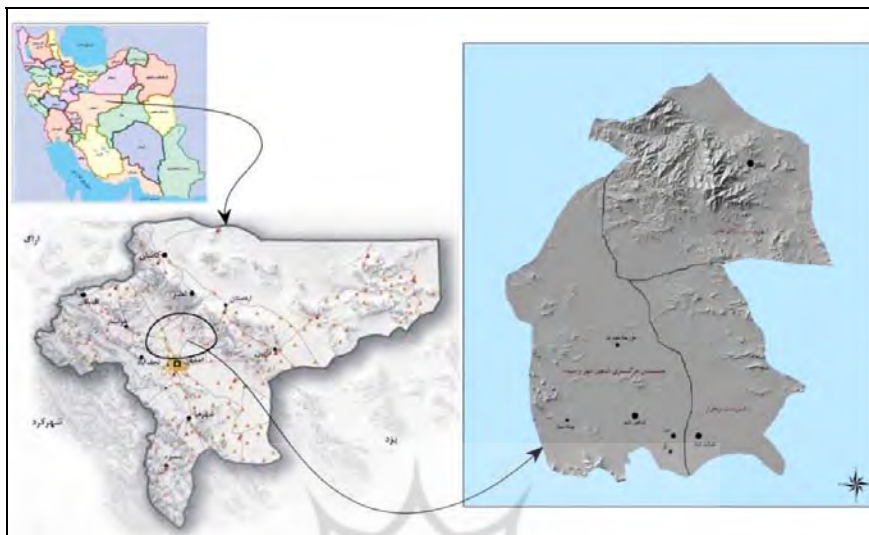
۴. حافظ ابونعیم، (۱۳۷۷)، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نورالله کسایی، تهران: سروش، ص ۱۴۲.

۵. امیرحاجلو، سعید، «بررسی باستان‌شناسی مراکز سکونت‌دوری در دوران سلجوقی تا صفوی در حاشیه شمالی دشت اصفهان»، به راهنمایی دکتر جواد نیستانی، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده)، (۱۳۹۱)، ص ۸۱.

۶. المسالك و الممالک، صص ۵۸-۵۹

۷. العلاقات النفیسه، ص ۱۸۲؛ ابن‌فقیه، (۱۳۰۲ق)، مختصر کتاب البلدان، لیدن: بریل، ص ۲۶۳

۸. البلدان، ص ۴۱



نقشه ۱. استان اصفهان و محدوده‌ی جغرافیایی مورد مطالعه (تهیه نقشه از نگارندگان)

در قرن چهارم هجری، ابن حوقل بر خوار را از ضیعه‌های بزرگ و پر جمعیت با غلات فراوان، منبر، خطیب، بازارها، گرمابه‌ها، شتران و شتریانان برای جابجایی محمولات معرفی کرده است.^۱ از دوران سلجوقی، سندی از فروش روستایی در بر خوار توسط شاهزاده‌خانم سلجوقی به یکی از امرا در ۵۶۱ق باقی مانده است.^۲ در سده‌های هفتم و هشتم هجری، یاقوت حموی (۱۹۵۷)، صفی‌الدین بغدادی (۱۹۹۲) و ابوالفدا (۱۳۴۹)، بر خوار را از نواحی اصفهان با چند روستا معرفی کرده‌اند. حمدالله مستوفی، بر خوار را از نواحی هشتگانه‌ی اصفهان با ۳۲ دیه معرفی کرده که بزرگ‌ترین دیه آن «جَز» (گز) دارای هزار خانه با بازارها، مساجد، حمام‌ها، مدارس و خانقاه‌ها بود.^۳ در دوران صفوی، به گفته‌ی شاردن در شعاع ۱۰ فرسخی اصفهان، بیش از ۱۵۰۰ دهکده وجود داشت.^۴ در منابع

۱. ابن حوقل، (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۱۰-۱۰۶

۲. محمودبن بختیار اتابکی، (۱۳۷۸)، *المختارات من الرسائل*، به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ص ۴۵۸

۳. حمدالله مستوفی، (۱۳۳۶)، *نزهت القلوب*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: طهوری، ص ۵۶-۵۴

۴. ژان شاردن، (۱۳۳۶)، *سیاحت‌نامه شاردن*، ج ۳، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ص ۱۷۲.

مکتوب پس از صفوی، توصیف روستاها و شهرهای برخوار و شرح وقایع آن ثبت شده است؛ به ویژه جنگ‌هایی در ناحیه برخوار که مهم‌ترین آنها هجوم افغان‌ها و نبرد نادر افشار با اشرف افغان در مورچه‌خورت بود.^۱ بنابراین، موقعیت ویژه برخوار در دروازه ورودی شمال اصفهان، موجب تداوم حیات در سکونتگاه‌های برخوار در سراسر دوران اسلامی شده بود.

ساخت‌وسازهای عصر سلجوقی در برخوار

در دوران سلجوقی، رونق و اعتبار برخوار تداوم داشت و آثاری مانند مسجد جامع و مناره گز، مسجد و مناره سین، محوطه پل سنگی کمشچه، روستای شاپورآباد، مجموعه میان‌راهی رباط سلطان، قلعه اتابکی چاله‌سیاه، قلعه باجول کرپکند، کاروانسرای سنگی چاله‌سیاه قدیم، بنای اولیه قلعه مورچه‌خورت و بخش غربی مجموعه دهچی مورچه‌خورت از دوران سلجوقیان در برخوار باقی مانده‌اند.

مسجد جامع و مناره‌ی گز

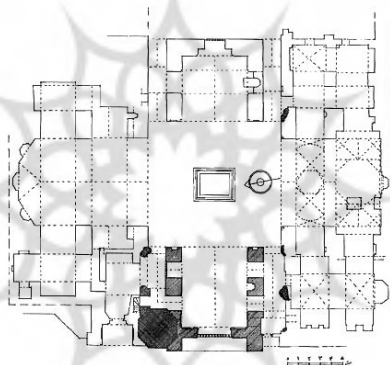
مسجد جامع شهر گز در مرکز برخوار قرار دارد و به اعتقاد آندره گدار، ایوان غربی آن، جرزها و ستون‌های کنار این ایوان در دوره‌ی سلجوقیان بنا شده^۲ (تصویر ۱) و ایوان‌های

۱. میرزاهدی‌خان استرآبادی، (۱۳۴۱)، *جهانگشای نادری*، به کوشش سیدعبدالله انور، تهران: انجمن آثار ملی، ص ۱۰۶-۱۰۵؛ ابوالحسن بن محمدامین گلستانه، (۱۳۵۶)، *مجم‌التواریخ بعد نادریه*، به کوشش مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۱۷۰؛ محمدهاشم آصف رستم‌الحکما، (۱۳۴۸)، *رستم‌التواریخ*، تصحیح محمد مشیری، تهران: بی‌نا، ص ۵۷، ۴۴۶؛ ژان اوتر، (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژان اوتر؛ عصر نادرشاه*، ترجمه علی اقبالی، تهران: جاویدان - علمی، ص ۱۲۴؛ پطرس دی سرکیس گیلاننتر، (۱۳۴۴)، *سقوط اصفهان: گزارش‌های پطرس دی سرکیس گیلاننتر*، ترجمه و حواشی محمد مهریار، اصفهان: شهریار، ص ۹۸؛ کروسینسکی، (۱۳۶۳)، *سفرنامه کروسینسکی*، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، مقدمه، تصحیح و حواشی مریم میراحمدی، تهران: توس، ص ۷۶-۷۷؛ محمد مهدی ارباب اصفهانی، (۱۳۶۸)، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر، ص ۳۰۳-۲۹۹ و ۳۲۱.

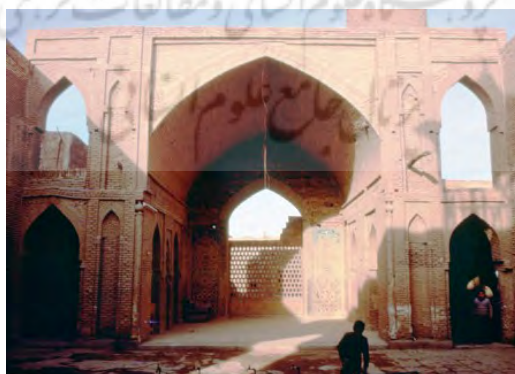
۲. آندره گدار و دیگران، (۱۳۷۱)، *آثار ایران*، ج ۴، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ص ۲۸۹.

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۷

شرقی، جنوبی و شمالی آن در دوران پس از سلجوقیان افزوده شده است. نقشه‌ی مسجد، شامل یک صحن مرکزی به ابعاد 12×11 متر و چهار ایوان در چهار ضلع آن است (نقشه ۲). در هر طرف ایوان غربی، دو طاق‌نمای جناغی با تزئینات آجرکاری به‌ویژه در لچکی‌ها وجود دارد و طاق‌نماهای پایین به راهروهای دو طرف ایوان راه دارند. بدنه‌ی داخلی ایوان، پوشیده از تزئینات فراوان آجرکاری سلجوقی و ایلخانی است. در وسط بدنه‌ی جنوبی این ایوان، محرابی قرار دارد که با تزئینات آجرکاری گره‌چینی و کتیبه‌های کوفی معقلی پوشیده شده است. در دیگر بخش‌های داخلی این ایوان، تزئینات گره‌چینی آجری شامل طرح‌های شمسه، ترنج، شش‌بند و موج اجرا شده است (تصویر ۳).



نقشه ۲. مسجد جامع گز - بخش هاشور خورده از سلجوقی (ویلبر، ۱۳۶۵: شکل ۲۹)



تصویر ۱. ایوان غربی مسجد



تصویر ۳. آجرکاری قوس‌های ایوان غربی



تصویر ۲. مناره‌ی آجرکاری مسجد گز.



تصویر ۴. گچبری ایوان غربی

به نظر می‌رسد بنای اولیه‌ی مسجد، در صدر اسلام یا اوایل سلجوقی، از نوع یک‌ایوانی با گنبدخانه‌ای در پشت ایوان بود (محل فعلی ایوان غربی). سپس در اواخر دوران سلجوقی یا دوران ایلخانی، به سبک چهار ایوانی تبدیل شد. در دوره‌ی سوم، یعنی دوران صفوی، بازسازی در ایوان جنوبی صورت گرفت. کتیبه‌ی صفوی موجود در این ایوان، متعلق به اوایل دوره صفوی (شاه اسماعیل اول)، به بازسازی این ایوان و مسجد در این زمان، اشاره دارد. بنابراین، با توجه به بازسازی‌ها و تغییرات در سه ایوان شمالی، جنوبی و شرقی، از توصیف ویژگی‌های سازه و تزیین آنها خودداری شده است.

اصلی‌ترین تزیینات مسجد جامع گز، شامل آجرکاری و کاشیکاری تکرنگ به شیوه‌ی معقلی است و در بخش‌هایی نیز گچبری و تویی‌های گچی در میان آجرها دیده می‌شود. تزیینات آجرکاری مسجد، که تقریباً همگی متعلق به زمان سلجوقیان هستند، به شیوه‌ی

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزیین آثار سلجوقیان ... ۹

آجر پیش‌بر و با طرح‌های هندسی گره‌چینی شامل شمسه، ترنج، شش‌بند، موج، سرمه‌دان و طرح‌های دیگر اجرا شده‌اند. تزیینات گچبری که عمدتاً شامل کتیبه‌های گچبری‌شده و همچنین برخی نقوش هندسی و گیاهی هستند (تصویر ۴)، در بازدهی زمانی عصر سلجوقی تا صفوی قرار می‌گیرند. در راهروی ورودی مسجد، که بخش کهن‌تر مسجد نیز هست، بر بالای ستون‌های آجری چهارقلو و لبه‌ی قوس‌ها، گچبری‌هایی مشابه با گچبری‌های سبک «ب» سامرا وجود دارد. مناره‌ی مسجد جامع گز نیز پوشیده از تزیینات آجرکاری شاخص عصر سلجوقیان است و با توجه به شباهت آن با مناره‌ی تاریخ‌دار مسجد جامع سین (۵۲۶)، احتمالاً به همین سده تعلق دارد (تصویر ۲).

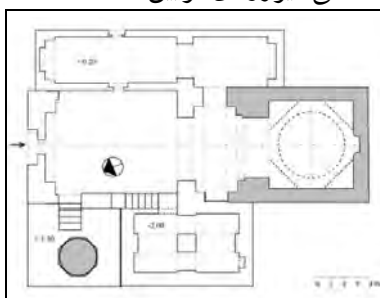
مسجد جامع سین

مسجد جامع شهر سین در ۲۴ کیلومتری شمال اصفهان واقع شده و همراه با مناره‌ی آجرکاری، متعلق به دوره‌ی سلجوقیان است. به موجب یک کتیبه سنگی به خط کوفی در اطراف محراب مسجد، مسجد را ابوغالب یحیی بن زکریا در ۵۲۹، بنا کرده است.^۱ بر اساس کتیبه‌ی کوفی آجری بر بدنه‌ی پایه‌ی مناره که در چهار سطر ایجاد شده، مناره‌ی مسجد سین در ۵۲۶، به وسیله ابواسماعیل محمد بنا شده است (تصویر ۱۰).

نقشه‌ی این مسجد کوچک، به صورت نامنظم به ابعاد تقریبی ۲۲×۱۸ متر و از نوع مساجد یک‌ایوانی است (نقشه ۳). ایوان اصلی مسجد، در ضلع جنوبی آن قرار دارد. فضای پشت ایوان، شامل دو بخش است؛ فضای گنبدخانه که به صورت مربعی به ابعاد ۶×۶ متر است (تصویر ۹) و با گنبدی پوشیده شده که بر روی فیلیوش‌ها استوار است. بخش میان گنبدخانه و ایوان اصلی نیز فضایی با همین ابعاد است که شبستان مسجد محسوب می‌شود و از طریق راهرویی به فضای شبستان کوچک شرقی راه می‌یابد. حیاط مرکزی مسجد، فضایی کوچک به ابعاد ۵/۵×۶/۵ متر است؛ در ضلع شمالی صحن مسجد، سردر و ایوانی بزرگ قرار دارد که به کوچه‌ی مجاور مسجد راه دارد. عنصر شاخص در این مسجد، مناره‌ی آجرکاری در گوشه‌ی شمال غربی آن است که کهن‌ترین مناره‌ی کتیبه‌دار با تزیین

۱. مساجد/ایران، ص ۲۹۹.

کاشی محسوب می‌شود.^۱ تمام سطح مناره، با نقوش آجرکاری به شیوه‌ی هشت‌و‌گیر و قسمت فوقانی آن با کتیبه‌ی کاشی فیروزه‌ای تزیین شده است (تصویر ۶).



نقشه ۳. مسجد جامع سین؛ بخش‌های خاکستری، ساختار گنبدخانه و مناره‌ی دوران سلجوقی را نشان می‌دهد (برداشت پلان از نگارندگان)



تصویر ۵. گنبدخانه‌ی مسجد جامع سین (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۵: ۳۰۰)



تصویر ۶. بخش فوقانی مناره مسجد سین و کتیبه کاشی آن.

۱. آثار ایران، ج ۴، ص ۱۸۴.

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۱۱

از شاخصه‌های تزئینات این مسجد، مقرنس‌های درشت آجری سبک سلجوقیان است که گنبد اصلی مسجد، بر آن واقع شده است. از دیگر ویژگی‌های بنا، تزئینات محراب در ضلع جنوبی و در زیر گنبد اصلی است (تصویر ۸). محراب مسجد با تزئینات آجر و گچ ساخته شده و در این شیوه، درون آجر با گچ پر شده و به صورت هنر تخمه‌کاری شکل گرفته است. قسمت فوقانی محراب با تزئینات آجر و گچ و هنر تخمه‌کاری گچ، به صورت گره‌چینی تزئین شده است. در طاق توپزه میان گنبدخانه و بخش جلویی آن، تزئینات آجر پیش‌بر و تویی‌های گچی با نقوش گره‌چینی اجرا شده است (تصویر ۷).



تصویر ۸. محراب آجرکاری و گچبری



تصویر ۷. قوس و تزئین آجرکاری



تصویر ۹. گنبدخانه و محراب مسجد سین



تصویر ۱۰. کتیبه کوفی در پایه‌ی مناره مسجد سین با تاریخ ۵۲۶ هجری

محوطه پل سنگی کُمشچه

در فاصله‌ی ۱۳۰۰ متری از حاشیه‌ی جنوب شرقی شهر کُمشچه، محوطه‌ای وجود دارد که بر اساس تپه‌ماهورها و آوارهای باقی‌مانده و فراوانی قطعات سفال، احتمالاً روستایی از دوران صدر اسلام تا سده‌های ۶ و ۷ هجری بوده است.

در حال حاضر بر اثر وزش مداوم طوفان شن از کویر مرکزی ایران، تمامی آثار سطحی محوطه، زیر لایه‌ای از شن مدفون هستند و تنها در برخی قسمت‌ها، آثاری از سازه‌های معماری و خشت‌ها مشخص است. بر اساس پراکندگی قطعات سفال در سطح محوطه و با نگاهی بر تصاویر ماهواره‌ای به نظر می‌رسد؛ این محوطه وسعتی در حدود ۱۷۰×۳۵۰ متر داشته است. با توجه به وضعیت موجود بنا، امکان بازسازی نقشه و عناصر معماری آن و همچنین کارکرد بنا بدون کاوش در محوطه وجود ندارد. قطعات سفال‌های سده‌های ۶ و ۷ هجری در این محوطه، شامل سفال‌های خمیره فریتی، خمیره قرمز با اندود قهوه‌ای، لعابدار تکرنگ بنفش، فیروزه‌ای قلم مشکی با خمیره فریتی هستند.

روستای شاپورآباد

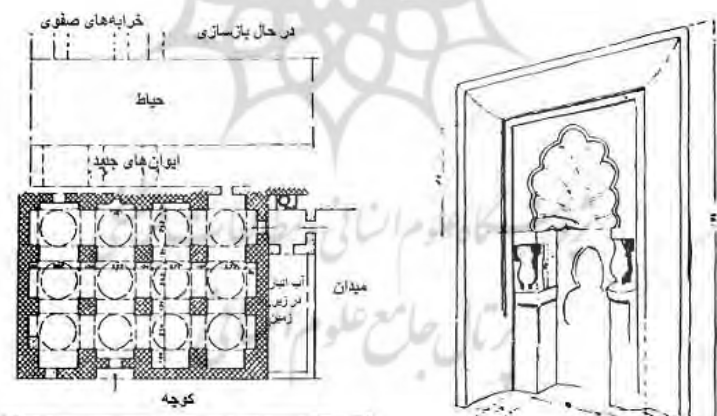
این روستا، در فاصله ۱۳ کیلومتری شمال شرقی اصفهان قرار دارد و بر اساس آثار موجود، از روستاهای کهن برخوردار است. در زمان بازدید ماکسیم سیرو از این روستا (۱۹۶۳ میلادی)، باروی بلندی در اطراف روستا وجود داشته که از روستا در برابر بادهای شن کویر مرکزی حفاظت می‌کرده است. فضای داخلی بارو به صورت چهارخانه بوده و در

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۱۳

جنوب شرقی روستا، منازلی با طاق‌های نوع سلجوقی وجود داشته‌است. سیرو اعتقاد دارد این منازل متعلق به قلعه‌ای کهنه (احتمالاً سلجوقی) بوده‌اند.^۱ امروزه، با گسترش و نوسازی خانه‌های شاپورآباد، بقایای مورد اشاره‌ی سیرو به کلی از بین رفته‌اند.

مسجد جامع روستای شاپورآباد

این مسجد، در مرکز روستای شاپورآباد و در نزدیکی حمام و تکیه این روستا قرار داشته‌است. مسجد جامع شاپورآباد در حدود ۳۰ سال قبل، تخریب و به گونه‌ای بازسازی شده که هویت اصلی بنا از بین رفته‌است؛ امروزه از بنای اولیه‌ی مسجد اثری باقی نمانده‌است؛ اما بر پایه‌ی توصیف سیرو، این مسجد کوچک و ابتدایی، از نوع مساجد شبستانی ستون‌دار با سه راهرو در شبستان و فاقد حیاط و سازه‌های جانبی بوده‌است (نقشه ۴). براساس بررسی نگارندگان، مساجد سید (در کر بکند) و غریبان (سین) نیز مشابه مسجد شاپورآباد، بدون صحن و حیاط و سردر ورودی بوده‌اند. سبک «مساجد با شبستان ستون‌دار و بدون ایوان و گنبدخانه» در صدر اسلام تا قبل از دوران سلجوقی در ایران رایج بود.^۲



طرح ۱. محراب مسجد صدراسلامی
نقشه ۴. بنای اولیه مسجد شاپورآباد (سیرو، ۱۳۵۷: ۳۶۹)
شاپورآباد (سیرو، ۱۳۵۷: ۳۶۹)

۱. راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و راههای وابسته به آنها، ص ۳۶۵.

۲. محمدکریم پیرنیا، (۱۳۸۶)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین و گردآوری غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش، ص ۱۳۴.

سیرو به محرابی گچی با طرحی شبیه به صدف در شبستان مسجد اشاره کرده (طرح ۱) و آن را با نقوش برگ خرمایی تزیینات قصر ساسانی «کیش» در عراق شبیه دانسته است. قسمت وسط محراب، با قوسی به شکل گشنیزی (سه کولی) تزیین شده بود و دو طرف آن، دو ستون گچی وجود داشته که بالای آنها دو گلدان تزیینی ایجاد شده بود.^۱ این نقش، در دوران ساسانی رایج بود و در صدر اسلام در مسجد فهرج یزد، کاخ عباسی اخیضر و مسجد قیروان تونس نیز به کار رفته است.^۲ به انعقاد سیرو، مسجد متعلق به بازه‌ای بین قرن دوم تا پایان قرن سوم هجری بوده که تا دوران صفوی به همان صورت مورد استفاده قرار می‌گرفته است.^۳

مجموعه میان‌راهی رباط سلطان

قدمت بخش شرقی رباط سلطان، به دوران ساسانیان می‌رسد؛ اما بخش غربی آن در دوران اسلامی به ویژه عصر سلجوقی، مورد استفاده بود. اهمیت رباط سلطان، قرارگیری در دامنه‌ی کوهستان مشرف به دشت وسیع جنوبی (دشت شمالی شهر اصفهان) بود و علاوه بر خدمات‌رسانی به کاروان‌ها، امنیت منطقه را تأمین می‌کرد. رباط سلطان در ۴۲ کیلومتری شمال اصفهان واقع است؛ ابعاد این مجموعه ۲۹۰×۹۰ متر و دارای دو بخش شرقی (A) و غربی (B) است. در بررسی نگارندگان، قطعات سفال ساسانی تا قاجار شناسایی شد که در میان آنها سفال‌های شاخص دوران سلجوقی شامل سفال خمیره قرمز ظریف و سفال‌های خمیره فریتی است.

بخش غربی رباط سلطان (بخش B)، به سده‌های دوم یا سوم هجری تا قاجار تعلق دارد (نقشه ۵). بناهای شرقی بخش (B) یعنی بخش (B1) در عصر سلجوقیان و بناهای غربی آن یعنی بخش‌های B2 و B3 در دوره‌های ایلخانی و صفوی ساخته شده است.^۴

۱. راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و راه‌های وابسته به آنها، ص ۳۶۷-۳۶۶.

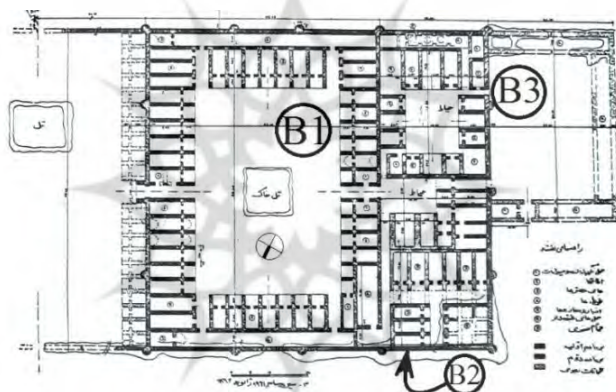
۲. همان، ص ۳۶۷.

۳. همان، ص ۳۶۸.

۴. همان، ص ۱۱۰.

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۱۵

بخش سلجوقی (B1) با وسعت 80×70 متر شامل حیاطی وسیع به ابعاد 56×38 متر در مرکز و اتاق‌هایی در چهارطرف و حصاری پیرامون آن است (تصاویر ۱۱ و ۱۲). نمای دو ضلع بلندتر حیاط از ۱۳ طاقنما و دو ضلع کوتاه‌تر از ۹ طاقنما تشکیل می‌شده است. در مرکز حیاط، پشته‌ای مربع‌شکل به ابعاد تقریبی 5×5 متر وجود دارد که یا صفه‌ی بارگیری حیوانات و یا بقایای منبع آبی بزرگ بوده است. طاق نماهای انتهایی نمای شمالی و جنوبی، از طریق چهار دالان به اصطبل‌های پشت اتاق‌های شمالی و جنوبی منتهی می‌شدند. اصطبل‌ها، دالان‌های درازی بودند که در فضای میان اتاق‌ها با حصار بیرونی در دو ضلع شمالی و جنوبی بنا قرار داشتند.



نقشه ۵. بناهای دوران سلجوقی، (B2): ایلخانی و (B3): صفوی در رباط سلطان (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۱۱)

ورودی بنای (B1) در وسط ضلع شرقی و دو اتاق نگهبانی در دو طرف ورودی قرار داشت. اطراف بخش (B1) حصار با برج‌های نیم‌دایره‌ای به قطر $2/20$ متر، در فواصل منظم آشکار است. سیرو ساخت‌وسازهای بخش (B1) را نامرغوب و شتاب‌زده توصیف کرده‌است؛ زیرا بیش از ۱۸۰ طاق موجود در آن به دلیل سستی، در پی وقوع زلزله‌ای پس از دوران صفوی فروریخته‌اند.^۱ مصالح بخش (B)، قلوه‌سنگ، شفته، ملاط خاک‌رس و گچ است و ملات گل در برخی دیوارهای سنگی، سستی بنا را در پی داشته است.

۱. همان، ص ۱۱۴-۱۱۵.



تصویر ۱۱. ساختار سلجوقی رباط سلطان (عکس از نگارندگان)



تصویر ۱۲. ساختار سلجوقی رباط سلطان (عکس از نگارندگان)

قلعه اتابکی چاله سیاه

بنای سنگی «قلعه اتابکی» در ۳۵ کیلومتری شمال غربی اصفهان قرار دارد. ابعاد بنا، ۷۰ × ۴۰ متر در محور شمال غربی - جنوب شرقی است. اگرچه ساختارهای معماری، به شدت تخریب شده‌اند (تصویر ۱۳)، آثار حیاط مرکزی به ابعاد ۲۲ × ۲۲ متر و اتاق‌ها یا تالارهایی در چهار طرف دیده می‌شود. انباشت آوارها در شمال غربی بیشتر و در حدود ۴۰ × ۳۰ متر با ارتفاع ۲/۵ تا ۳ متر است. بنابراین احتمالاً تالار یا ایوان اصلی در این ضلع و ورودی در ضلع مقابل آن یعنی جنوب شرقی واقع بوده است. در شرق و غرب صحن مرکزی، غرفه‌هایی وجود داشته که عمق آنها به همراه طاق نما و ایوان جلوی هر غرفه به ۷ متر می‌رسد. مصالح جرزها و دیوارها در ضلع شمال غربی دست کم تا ارتفاع ۱/۵ تا ۲ متری، سنگ، ملات گچ و گل بوده است.

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۱۷

در بررسی بنا، سفال‌های شاخص سده‌های ۵ تا ۷ هجری، شامل قطعات سفال با خمیره قرمز یک‌دست و نقش سوزنی، سفال با نقش قالبی موجود افسانه‌ای درون دایره، سفال اسگرافیاتو و سفال خمیره فریتی به دست آمد. بنابراین قلعه اتابکی، بنایی از دوران سلجوقیان بوده و بر اساس عناصر معماری، به عنوان اقامتگاهی میان‌راهی کاربرد داشته است.

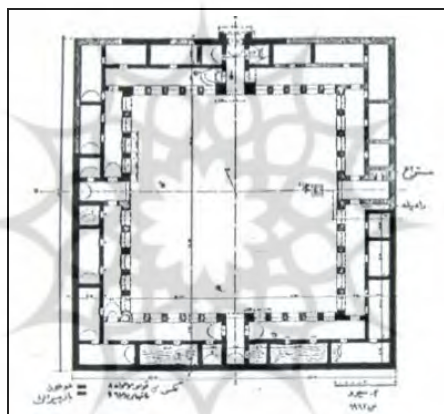


تصویر ۱۳. بقایای یکی از طاق‌های سنگی اقامتگاه اتابکی (عکس از نگارندگان)

کاروانسرای سنگی چاله‌سیاه کهنه

بنای سنگی چاه‌سیاه کهنه در ۴/۵ کیلومتری جنوب‌غربی روستای جهادآباد (چاله سیاه) در ۲۵ کیلومتری شمال‌غربی اصفهان قرار دارد. ابعاد این بنا، ۵۳×۵۳ متر و دارای حیاط مرکزی با چهارایوان در چهارطرف است و بقایای سردر اصلی در ضلع شمال‌غربی تا ارتفاع ۳ متر، برخی پی‌ها و دیوارها و جرزها تا ارتفاع ۲/۵ متر و تعدادی غرفه‌ی بازسازی شده‌ی معاصر در ضلع جنوب‌غربی آن دیده می‌شود. دو طرف ورودی، دو محل استقرار نگهبانان وجود دارد. ابعاد حیاط کاروانسرا ۳۵×۳۵ متر است و اطراف آن را راهرویی رواق‌مانند احاطه کرده است. این راهرو، به دالان‌های مستطیل شکلی راه دارد که با دیوار خارجی کاروانسرا موازی هستند. در نمای اطراف صحن، در هر ضلع، یک ایوان مرکزی (تصویر ۱۵ و نقشه ۶) و در دو طرف آن چهار اصطبل و دو محل اقامت قرار داشته است. مصالح بنا، سنگ‌های تراش‌نخورده، قلوه‌سنگ و ملات گل و گچ است. سیرو اشاره کرده که قوس‌ها و طاق‌های تخم‌مرغی (تصویر ۱۴) یا کمی جناغی، دیوارهای سنگی،

تورفتگی پاکار قوس‌ها (هویه‌ها)، دوخت و دوز درشت و نمایان اجزاء قوس درها، روش‌ها و فنون رایج در دوره ساسانی بوده؛ اما در سده‌های اولیه هجری نیز به کار رفته است.^۱ قطعات سفال قبل و صدر اسلام تا سده ۶ یا ۷ هجری، پراکنده در محوطه نشان‌دهنده‌ی پایان استفاده از بنا در اواخر دوران سلجوقیان است. سفال‌های شاخص سلجوقی عبارتند از: سفال نقاشی زیر لعاب با نقش سیاه روی زمینه‌ی فیروزه‌ای، نقش کنده و مشبک زیر لعاب تک‌رنگ، سفال فیروزه‌ای قلم‌مشکی، لعابدار تک‌رنگ بنفش با خمیره قرمز و لعابدار تک‌رنگ با خمیره فریتی.



نقشه ۶. چاه‌سیاه کهنه (سیرو، ۱۳۵۷: ۹۳)



تصویر ۱۴. سردر چاه‌سیاه کهنه (عکس از نگارندگان)

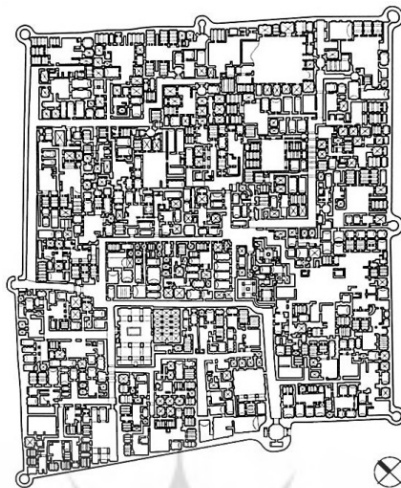


تصویر ۱۵. حیاط و ایوان مرکزی ضلع غربی چاهسیاه کهنه (عکس از نگارندگان).

بنای اولیه قلعه مورچه خورت

در شمال روستای مورچه خورت، ارگی با حدود سه هکتار وسعت، ساختارهای معماری پیچیده و چند طبقه، حصاری مستحکم و بلند، چهار برج مدور در گوشه‌ها و چهار برج نیم‌دایره‌ای در وسط اضلاع قرار دارد (تصاویر ۱۶ تا ۱۸).

این قلعه، دارای پلان تقریباً دوزنقه‌ای شکل به مساحت ۳۳۰۰۰ متر مربع با زیربنای حدود ۷۰۰۰۰ مترمربع (نقشه ۷) و حصاری به ارتفاع متوسط ۶ متر است. در فضای درونی قلعه دو معبر اصلی به سه ورودی قلعه راه می‌یابند. چهار معبر سرپوشیده نیز در چهار طرف قلعه، دسترسی به فضاها و منازل مسکونی را فراهم می‌کنند و از آنها معابر کوچک‌تر دیگری منشعب می‌شود. خانه‌های یک تا چهار طبقه‌ی قلعه، نشان‌دهنده‌ی مهندسی دقیق مجموعه هستند. در فضای پشت برج وسط ضلع غربی، بنای امامزاده سیدعلی، حمام اصلی قلعه، مسجد و تکیه قرار دارد. دو طرف معبر اصلی مرکزی قلعه، دکان‌ها و کارگاه‌هایی برای تأمین نیاز مردم روستا و مسافران پرتعداد وجود داشت. در دیوارها و طاق‌های منازل این قلعه، از خشت و در پی‌ها از قلوه‌سنگ استفاده شده است. در منازل اعیانی، تزئینات گچبری و نقاشی روی گچ اجرا شده است.



نقشه ۷. قلعه روستایی مورچه خورت (منوچهری، ۱۳۸۷: ۴۷)



تصویر ۱۷. معماری پیچیده و چندطبقه



تصویر ۱۶. دیوارهای بلند و معابر تنگ

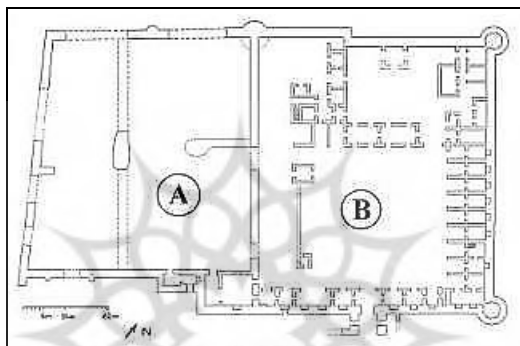


تصویر ۱۸. معابر سرپوشیده

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۲۱

بخش غربی مجموعه دهچی مورچه خورت

این بنای خشتی، در فاصله‌ی ۱۸۰۰ متری جنوب شرقی مورچه خورت در حدود ۵۰ کیلومتری شمال اصفهان قرار دارد. نقشه‌ی بنای دهچی، دوزنقه‌ای با جهت شمال شرقی - جنوب غربی است. با توجه به اندازه‌ی خشت‌ها در دو بخش غربی و شرقی و تفاوت ارتفاع دیوارهای بخش غربی و شرقی، در دو دوره ساخته شده است (بخش‌های A و B در نقشه‌ی ۸).



نقشه ۸. بنای دهچی (برداشت نقشه از نگارندگان)

بخش A (قدیمی‌تر)، دارای نقشه‌ای دوزنقه‌ای شکل با دیوار قطوری از خشت است. در فضای داخلی آن، تنها شواهدی از یک عنصر نامشخص معماری (جرز یا بخشی از یک دیوار قطور) به ارتفاع حدود ۶ متر با خشت‌های $۳۵ \times ۳۵ \times ۷$ سانتی‌متر دیده می‌شود (تصویر ۱۹). فضای داخلی این بخش، در دهه‌های اخیر برای کشاورزی مسطح شده است. با توجه به قطر زیاد، ارتفاع حصار و موقعیت بنا در دروازه‌ی ورودی دشت برخوار و اصفهان می‌توان این بنا را اقامتگاه یا پست نظامی میان‌راهی دانست. بر اساس ابعاد خشت‌ها و همچنین قطعات سفال پراکنده در محوطه، به نظر می‌رسد قدمت بخش A به صدراسلام تا دوران سلجوقی باز می‌گردد و بخش B متعلق به دوران ایلخانی است. قطعات سفال شاخص محوطه، شامل انواع لعاب قلیایی اواخر ساسانی تا صدراسلام، لعاب پاشیده سده‌های ۴ تا ۶ هجری، خمیره قرمز یکدست با پوشش قهوه‌ای سده‌های ۵ و ۶ هجری، لعابدار بنفش تک‌رنگ و خمیره فریتی سده‌های ۶ و ۷ هجری است.



تصویر ۱۹. حیاط بخش غربی (A) بنا (عکس از نگارندگان)

قلعه باجول کُربکند

محوطه قلعه باجول در ۲۰۰ متری شمال شرقی روستای کربکند، در مرکز برخوار واقع است. بر اساس پراکندگی مواد فرهنگی سطحی، وسعت حریم محوطه در حدود ۳۷۰ × ۳۰۰ متر است و در نقاط مختلف، بقایای آوارهای ساختمانی وجود دارد، اما به دلیل تسطیح زمین‌ها به منظور کشاورزی و نیز تخریب‌های عمدی با لودر، امکان بازسازی کامل معماری آن بر اساس شواهد سطحی وجود ندارد. با وجود این، بر اساس بررسی سطحی و تصاویر هوایی، به نظر می‌رسد ساختار مرکزی این محوطه، بنایی مستطیل‌شکل به ابعاد ۶۵ × ۸۵ متر بوده که بارویی قطور و برج‌هایی در گوشه‌ها داشته است. آوار بارو به صورت برجستگی‌هایی به ارتفاع ۳ تا ۴ متر در محوطه قابل مشاهده است. احتمالاً سردر ورودی، در ضلع شرقی یا شمالی قرار داشته و دیواری طویل، بنا را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرده بود. در بررسی محوطه، اثر یک طاق و یک سازه دیده شد که در آن سه روزنه شبیه به روزنه‌های سه‌طرفه‌ی تیراندازی در برج‌ها و قلعه‌ها وجود داشت. در این محوطه، شواهدی از سفال دوران سلجوقی تا قاجار به دست آمد؛ قطعات سفال دوران سلجوقی شامل سفال لعابدار تک‌رنگ فیروزه‌ای با خمیره‌ی فریتی هستند.

بحث و تحلیل

الف) الگوی حاکم بر ساخت و تزئین معماری سلجوقیان در برخوار در مطالعه‌ی گونه‌شناسی و مقایسه آثار دوران سلجوقی در دشت برخوار، محدودیت‌ها و موانعی مانند پوشیده شدن سطح محوطه‌ها با لایه‌های شن به دلیل وزش مداوم باد از کویر، شخم‌های کشاورزی و گسترش شهرها و روستاهای جدید در محل سکونتگاه‌های تاریخی وجود داشت. بنابراین در این مقاله، مقایسه و ارائه الگو به دو گونه کاربردی کاروان‌سرا و

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۲۳

مسجد محدود شده و قلعه باجول کربکند، بخش غربی مجموعه دهچی، محوطه پل سنگی کمشچه، روستای شاپورآباد و ارگ روستایی مورچه‌خورت تنها در تحلیل مراکز کانونی و اقماری دشت برخوار مورد بحث قرار گرفته‌اند، اما برای سه کاروان‌سرای چاله‌سیاه کهنه، قلعه اتابکی و رباط سلطان و همچنین دو مسجد سین و مسجد گز سبک و الگوی معماری تحلیل و تبیین شده است.

ویژگی‌های سازه و تزئین در کاروان‌سراهای سلجوقی برخوار

دو بنای رباط‌سلطان و چاله‌سیاه کهنه، دارای پایه‌هایی از دوران ساسانی یا صدر اسلام هستند که در دوران سلجوقی بازسازی شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ اما نمونه‌های سفال در قلعه اتابکی نشان‌دهنده‌ی آغاز استفاده از بنا در دوره‌ی سلجوقی است.

مطالعه ویژگی‌های ساختاری و کالبدی، وجود شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را در سه بنا نشان می‌دهد (نمودار ۱). کاروان‌سرای رباط سلطان در محل تلاقی دو خط سیر باستانی شمال - جنوب (شاهراه اصفهان - ری) و غرب - شرق (گلپایگان - مورچه‌خورت - نایین - اردستان و خراسان) واقع شده است.^۱ از سوی دیگر، دو کاروان‌سرای چاله‌سیاه قدیم و اتابکی در مسیر باستانی اصفهان - گلپایگان - بروجرد - نواحی غربی ایران واقع هستند.^۲ فاصله‌ی کاروانسرای چاله‌سیاه کهنه از مرکز شهر اصفهان، برابر با دو روز سفر یک کاروان و فاصله‌ی قلعه اتابکی از مرکز شهر اصفهان برابر با سه روز سفر کاروان است. همچنین، برای مسافران شاهراه اصفهان - ری که از رباط سلطان می‌گذشتند، فاصله‌ی این اقامتگاه تا مرکز شهر اصفهان با سه روز سفر کاروان برابری می‌کرد.

موقعیت هر سه بنا در دامنه‌ی کوه‌های احاطه‌کننده‌ی دشت برخوار، امکان بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد یعنی سنگ را فراهم کرده بود. چنان‌که در هر سه بنا، مصالح اصلی ساخت و کالبد بنا، قطعات سنگ‌های لاشه‌ی بی‌شکل است که با ملاتی از گل و گچ همراه شده است. جهت محور اصلی پلان در کاروانسرای چاله‌سیاه کهنه، شمال شرقی - جنوب غربی

۱. همان، صص ۵۷، ۱۰۹.

۲. همان، ص ۱۶.

(رون راسته) و در دو بنای قلعه اتابکی و رباطسلطان، شمال غربی - جنوب شرقی (رون اصفهانی) است. هر سه بنا، دارای پلان منظم و متقارن مستطیلی هستند که طراحی از قبل تعیین شده‌ای را نشان می‌دهند. در بنای اتابکی، ورودی در ضلع جنوب شرقی و در بنای رباطسلطان و چاله‌سیاه‌کهنه ورودی در ضلع شمال شرقی قرار دارد، اما در هر سه بنا در دو طرف ورودی، اتاق‌ها یا فضاهایی برای استقرار نگهبانان وجود دارد. نوع نقشه در هر سه بنا به صورت حیاط مرکزی با غرفه‌هایی در دو یا چهار طرف است. کاروانسرای چاله‌سیاه‌کهنه و رباطسلطان دارای نقشه‌ی چهارایوانی هستند و غرفه‌های سکونت در چهار طرف هر دو بنا ساخته شده‌اند، اما بر اساس شواهد، بنای اتابکی دو ایوانی بوده و در دو سوی جنوب غربی و شمال شرقی، تنها چند اتاق کوچک و کم‌عرض وجود داشته است. وسعت کاروانسرای رباطسلطان حدود ۵۴۰۰ مترمربع، بنای اتابکی حدود ۳۰۰۰ مترمربع و بنای چاله‌سیاه‌کهنه در حدود ۳۲۰۰ مترمربع است. دلیل همسانی تقریبی وسعت دو بنای چاله‌سیاه و اتابکی را می‌توان در قرارگیری آنها بر یک خط سیر جستجو کرد. چراکه این دو بنا به عنوان دو منزل پیاپی مورد استفاده بوده‌اند و احتمالاً تعداد یکسانی از مسافران در آنها اقامت می‌کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد وسعت زیاد در کاروانسرای رباطسلطان با قرارگیری آن در محل تلاقی دو خط سیر، در ارتباط است؛ زیرا این بنا در محلی واقع بود که هم کاروان‌های عبوری از شاهراه اصفهان - ری از آن می‌گذشته‌اند و هم کاروان‌هایی که از غرب به شرق و بالعکس در رفت و آمد بوده‌اند. بنابراین برای خدمت‌رسانی به مسافران دو مسیر، نیاز به فضاهای خدماتی و استراحت بیشتری وجود داشت. ضمن این‌که، با نگاهی بر منابع و متون تاریخی، به نظر می‌رسد در دوران سلجوقی خط سیر اصفهان - گلپایگان و مناطق غربی در مقایسه با شاهراه اصفهان - ری در درجه‌ی دوم اهمیت قرار داشت؛ و به ویژه در سده‌ی چهارم هجری، شاهراه اصفهان - ری از مهم‌ترین راه‌های بیابان فارس و خراسان معرفی شده است^۱ که شاخه‌ای فرعی از مسیر

۱. مقدسی، (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ص ۷۲۱.

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۲۵

جاده ابریشم نیز محسوب می‌شد^۱ و همین موضوع، نیاز به اقامتگاه‌های وسیع‌تر با خدمات‌رسانی بیشتر را توجیه می‌کند.

افزون بر این، به نظر می‌رسد هر سه بنا فاقد تزئینات بوده‌اند؛ زیرا شواهدی از تزئین بر سطوح معماری به دست نیامد و در سطح محوطه نیز پراکندگی مصالح تزئینی مشاهده نشد. شاید بتوان گفت ماهیت صرفاً کاربردی این بناها، عدم وجود تزئینات را توجیه می‌کند.



نمودار ۱. مقایسه ویژگی‌های معماری کاروانسراهای برون شهری دوران سلجوقی در دشت برخوار

ویژگی‌های سازه و تزئین در مساجد سلجوقی برخوار

اهتمام مسلمانان در بازسازی مساجد، سبب شده بود اغلب مساجد اولیه دستخوش تغییر شوند و این امر، پژوهشگران امروزی را در شناسایی هویت اولیه این گونه بناها، با مشکل مواجه می‌کند. سکونتگاه‌های دشت برخوار نیز از این قاعده مستثنی نبودند؛ زیرا با وجود اشاره‌های منابع مکتوب سده‌های نخست تا میانه‌ی اسلامی به وجود مساجد و مساجد جامع در شهر و روستاهای این ناحیه،^۲ در بررسی نگارندگان تنها دو مسجد از دوران سلجوقی شناسایی شد و سایر مساجد در اثر بازسازی‌ها و تغییرات مداوم، هویت خود را از دست داده‌اند و نمی‌توان به آنها برای دستیابی به یک تصویر کلی از سبک معماری مساجد تکیه کرد.

۱. محمدرضا ریاضی، (۱۳۸۴)، «جاده ابریشم: شکل‌گیری و پیشینه»، اثر، ش ۲، بهار و تابستان، ص ۵۴.

۲. صورة الارض، ص ۱۰۷-۱۰۶؛ نزهت القلوب، ص ۵۶-۵۴.

ساختار و تزیینات دو مسجد گز و سین نشان‌دهنده‌ی اهمیت و اعتبار این دو روستا در سده‌های میانی اسلامی است. این در حالی است که بنای مسجد سین، اصالت خود را بیشتر حفظ کرده؛ اما در مسجد گز، بازسازی‌هایی صورت گرفته و افزوده‌های بخش شمالی، جنوبی و شرقی، فرم پلان آن را به چهارایوانی تبدیل کرده است. با وجود این، به نظر می‌رسد بنای اولیه مسجد گز نیز همانند مسجد سین به صورت یک ایوانی و شامل گنبدخانه‌ای کوچک بود که فرم آن شباهت زیادی با فرم چهارتاقی‌های قبل از اسلام دارد. به طور کلی، شباهت‌های موجود در معماری این دو مسجد شامل موارد زیر است:

۱. دو مناره‌ی آجرکاری که در هر دو مسجد با شیوه‌ی آجرکاری با نقش هشت‌و‌گیر تزیین شده است؛ با این تفاوت که تقریباً نیمی از ارتفاع مناره‌ی گز فروریخته است و از چگونگی بخش فوقانی مناره اطلاعی در دست نیست، اما برفراز مناره‌ی سین قطعاتی از آجر لعابدار استفاده شده است. فرم کاملاً یکسان تزیین آجرکاری در مناره‌ی هر دو مسجد، احتمال ساخت آنها به دست یک نفر یا در یک زمان را مطرح می‌سازد.

۲. برخی تزیینات مشابه از جمله آجرکاری به شیوه‌ی پیش‌بر، تویی‌های گچی ته‌آجری، کتیبه‌های کوفی با کاشی تکرنگ در محراب، نقوش گره‌چینی شامل شمسه، شش‌بند و ترنج در زیر قوس‌های گنبدخانه‌ی اصلی در دو مسجد اجرا شده است.

۳. ابعاد تقریباً یکسان گنبدخانه‌ی غربی (سلجوقی) در مسجد جامع گز با گنبدخانه مسجد سین نیز نشان‌دهنده‌ی شباهت در ساختار اولیه‌ی دو بنا است. با این تفاوت که به نظر می‌رسد پس از فروریختن گنبد سلجوقی مسجد گز، در دوره‌ی ایلخانی این گنبدخانه به صورت ایوانی عمیق با طاق گهواره‌ای، بازسازی و در پشت آن شبستانی جدید با تزیینات گچبری بنا شده است. نکته‌ی قابل توجه درباره‌ی گنبدخانه‌ی دوره‌ی سلجوقی در هر دو مسجد، شباهت ابعاد و فرم آنها با چهارتاقی‌های قبل از اسلام است.

وجود مصالح تزیین یکسان، طرح‌ها و نقوش مشابه، مناره‌های کاملاً همسان، ساختار اولیه‌ی یک‌ایوانی این دو مسجد و ابعاد و فرم مشابه گنبدخانه هر دو مسجد احتمالاً

پراکندگی، کارکرد و الگوی حاکم بر سازه و تزئین آثار سلجوقیان ... ۲۷

نشان‌دهنده‌ی ساخت آنها در یک دوره و با ایده و طرحی از قبل تعیین‌شده و مشابه است (نمودار ۲).



نمودار ۲. ویژگی‌های معماری و تزئین مساجد دوران سلجوقی در برخوار

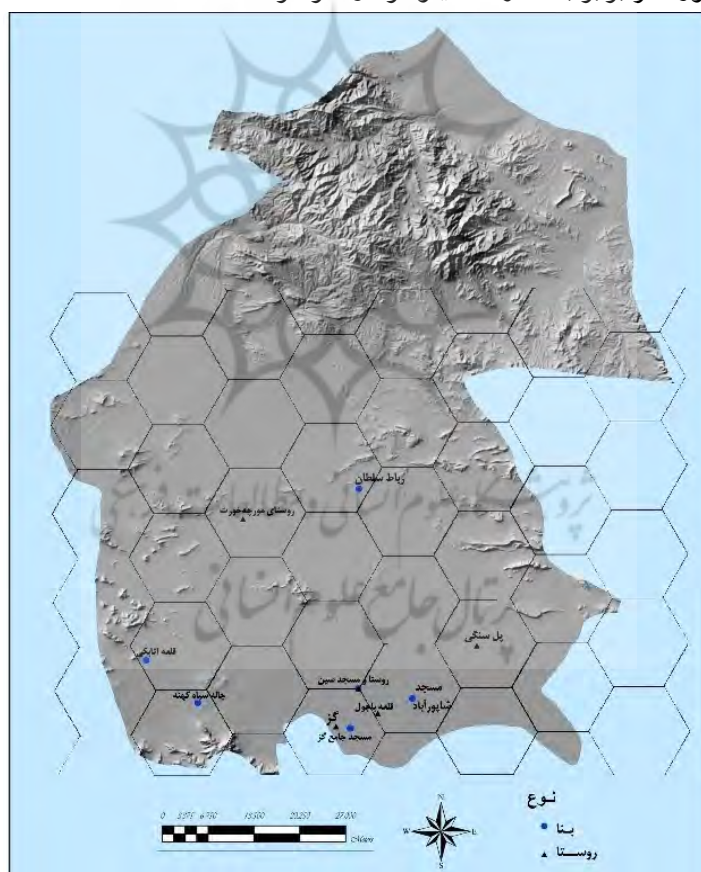
ب) سکونت‌گاه‌های کانونی و اقماری برخوار در دوران سلجوقی

در این مقاله، در شناسایی مکان‌های مرکزی و اقماری از نظریه‌ی «مکان مرکزی» والتسر کریستالر استفاده شده است. این نظریه بر این مبنا استوار است که در یک محدوده‌ی جغرافیایی کاملاً مسطح (دشت)، یکی از کانون‌های جمعیتی بزرگ‌تر از مراکز دیگر است و کمیّت کالاها و خدماتی که در این کانون عرضه می‌شود، بیش از مراکز سکونتی پیرامون آن است.^۱ بر اساس این نظریه، کانون‌های بزرگ استقراری را می‌توان در مرکز یک شش‌ضلعی و مراکز کوچک‌تر را روی اضلاع این شش‌ضلعی در نظر گرفت. این الگوی شش‌ضلعی، در مراکز سکونتی قابل استفاده است که شواهدی از فعالیت‌های اقتصادی و دادوستد در آنها به دست آمده باشد. ذکر این نکته ضروری است که در برخی از موارد، با وجود مسطح بودن دشت و پراکندگی یکسان استقرارها، احتمال عدم انطباق مرکز شش‌ضلعی‌ها با کانون‌های بزرگ جمعیتی وجود دارد.

به منظور شناسایی مکان‌های مرکزی احتمالی در دشت برخوار، نقشه‌ی پراکندگی آثار دوران سلجوقی به عنوان نقشه‌ی پایه در نظر گرفته شد. همچنین، شعاع شش‌ضلعی‌ها در

1. Walter Cristaler, (1966), *Central Places in Southern Germany*, Englewood Cliff, NJ; Prentic Hall, p29-31.

نقشه‌های موردنظر برابر با ۸ کیلومتر در نظر گرفته شد. زیرا حداکثر مسافتی که ساکنان یک مرکز جمعیتی کوچک‌تر برای تهیه مایحتاج خود می‌پیمودند تا به کانون‌های بزرگ‌تر برسند، برابر با یک روز سفر بود؛ به عبارت بهتر، حرکت خود را در ابتدای روز از مبدأ آغاز می‌کردند و در اواخر روز به مبدأ بازمی‌گشتند. با توجه به این‌که مسافت یک روز سفر برای افراد و کاروان‌های عادی، حدود ۱۵ تا ۱۶ کیلومتر بود، با نصف کردن این عدد، مسافت ۸ کیلومتر به عنوان مسافت مسیر رفت و ۸ کیلومتر به عنوان مسافت مسیر بازگشت به دست می‌آید. بر این اساس، در این بررسی، شعاع شش ضلعی‌ها بر روی نقشه‌های موردنظر برابر با حدود ۸ کیلومتر در نظر گرفته شد.



نقشه ۹. پراکندگی آثار سلجوقیان در دشت برخوار، مکان‌های مرکزی و اقماری (نقشه از نگارندگان)

با روی هم قرار دادن لایه‌ی مربوط به نقشه‌ی پراکنش آثار و لایه‌ی مربوط به شبکه‌ی منظم شش‌ضلعی‌ها، این نتیجه حاصل شد که در دوره‌ی سلجوقی، برخی از مراکز شهری یا روستایی در مرکز شش‌ضلعی‌ها، و برخی دیگر در حاشیه و روی اضلاع آنها واقع شده‌اند. بر این اساس، در نقشه‌ی پراکندگی آثار و روستاهای دوران سلجوقی، می‌توان چهار محوطه یا روستا از جمله روستای گز، روستای شاپورآباد، روستای مورچه‌خورت و محوطه‌ی «پل‌سنگی» کمشچه را به عنوان مراکز جمعیتی کانونی در دشت برخوار معرفی کرد (نقشه ۹). از سوی دیگر، در همین دوران، مراکزی مانند محوطه‌ی قلعه باجول و روستای سین روی اضلاع شش‌ضلعی‌ها قرار دارند و بنابراین بر اساس اصل سلسله مراتب، به عنوان مراکز سکوتی درجه دوم در این دوران، مطرح می‌شوند (نقشه ۹). نکته قابل توجه درباره‌ی این دو روستا، این است که محوطه‌ی قلعه باجول روی ضلع مشترک دو شش‌ضلعی واقع است و امکان دسترسی همزمان به دو کانون اصلی شاپورآباد و گز برای آن فراهم بود. روستای سین در رأس مشترک سه شش‌ضلعی قرار دارد و بر این اساس احتمالاً از سه کانون اصلی، خدمات دریافت می‌کرد. نکته‌ی مهم درباره‌ی روستاهایی که به طور مشترک از دو یا سه مکان مرکزی خدمات دریافت می‌کرده‌اند این است که چنین وضعیتی، باعث به وجود آمدن رقابت میان آن دو یا سه مکان مرکزی نیز می‌شد و این امر خود به پیشرفت و گسترش مراکز کانونی کمک می‌کرد.

سایر آثار دوران سلجوقی در دشت برخوار مانند رباط‌سلطان، اقامتگاه چاله‌سیاه کهنه و قلعه اتابکی چاله‌سیاه، نه در مرکز شش‌ضلعی‌ها واقع شده‌اند و نه در روی اضلاع آنها؛ زیرا این سه اثر صرفاً به عنوان اقامتگاه‌های میان‌راهی مطرح بوده‌اند و موقعیت آنها به تبعیت از راه‌های عبوری به وجود آمده است.

نتیجه

نگاهی به نقشه مکان‌یابی آثار سلجوقیان در دشت برخوار، نشان می‌دهد مهم‌ترین مراکز شهری و روستایی این دوران، در حاشیه‌ی شاهراه اصلی اصفهان - ری واقع شده‌اند و سکونتگاه‌های دیگر، در درجه دوم اهمیت قرار دارند. همچنین بر اساس الگوی شبکه‌های شش ضلعی کریستالر، مراکز کانونی دشت برخوار در دوران سلجوقی، شامل روستای گز، روستای شاپورآباد، روستای مورچه‌خورت و محوطه‌ی «پل سنگی» کمشچه بودند و محوطه‌ی قلعه باجول، روستای سین، رباط سلطان، چاله‌سیاه‌کهنه و قلعه اتابکی از سکونتگاه‌های اقماری این عصر محسوب می‌شدند. از سوی دیگر، الگوی مشخص در ساخت کاروانسراها و مساجد سلجوقی برخوار وجود دارد؛ بدین ترتیب که در ساخت کاروانسراه‌های برخوار از نقشه‌ی منظم، متقارن و از قبل تعیین‌شده استفاده شده و ویژگی‌های زیر مشاهده می‌شود:

شکل‌یابی بر محور مخالف با وزش بادهای مخرّب شرقی، شمالی و غربی (محور مورّب)، پلان چهارایوانی، قرارگیری اتاق‌های سکونت مسافران در چهار طرف حیاط، استفاده از سنگ لاشه به عنوان مصالح اصلی، استفاده از گل و گچ به عنوان ملات و اندود و عدم وجود تزیینات در کاروانسراها.

همچنین الگوی مشترک مساجد سلجوقی برخوار شامل گنبدخانه‌ی کاملاً همسان و هم‌اندازه، فرم اولیه‌ی یک ایوانی، تک مناره‌ی شاخص با تزیینات آجرکاری با نقوش لوزی شکل به شیوه هشت‌وگیر، تزیینات آجرکاری، تویی‌های گچی ته‌آجری و آجرلعبدار در گنبدخانه‌ها، کتیبه‌های کوفی ساده و کوتاه، تزیین آجر پیش‌بر با نقوش گره‌چینی شش‌بند و شمسه و ترنج است.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن حوقل، محمد، (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خردادبه، عبيدالله بن عبدالله، (۱۳۷۰)، *المسالك و الممالك*، ترجمه حسين قره چانلو، تهران: بی نا.
- ابن رسته، احمد بن عمر، (۱۳۶۵)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن فقیه، ابی بکر احمد بن محمد الهمدانی، (۱۳۰۲ق)، *مختصر کتاب البلدان*، لیدن: چاپ بریل.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی ابوالفداء، (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابونعیم اصفهانی، حافظ، (۱۳۷۷)، *ذکر اخبار اصفهان*، ترجمه نورالله کسای، تهران: سروش.
- اتابکی، محمود بن بختیار، (۱۳۷۸)، *المختارات من الرسائل*، به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- احمدی، عباسعلی، «فضا و جامعه در شهرک های اقماری اصفهان عصر صفوی: مطالعه موردی مورچه-خورت و قورتان»، رساله دکتری تخصصی باستان شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به راهنمایی دکتر حسن کریمیان (منتشر نشده)، (۱۳۸۸).
- ارباب اصفهانی، محمدهدی، (۱۳۶۸)، *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر.
- استرآبادی، میرزامهدی خان، (۱۳۴۱)، *جهانگشای نادری*، به کوشش سیدعبدالله انور، تهران: انجمن آثار ملی.
- امیرحاجلو، سعید، «بررسی باستان شناسی مراکز سکونتی دوران سلجوقی تا صفوی در حاشیه شمالی دشت اصفهان»، به راهنمایی دکتر جواد نیستانی، رساله دکتری باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده)، (۱۳۹۱).
- اوتر، ژان، (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژان اوتر: عصر نادرشاه*، ترجمه علی اقبالی، تهران: جاویدان - علمی.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۶)، *سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین و گردآوری غلامحسین معاریان*، تهران: سروش دانش.
- حافظ ابونعیم، (۱۳۷۷)، *ذکر اخبار اصفهان*، ترجمه نورالله کسای، تهران: سروش.
- حمزه اصفهانی، (۱۳۶۷)، *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- رستم الحکما، محمدهاشم آصف، (۱۳۴۸)، *رستم التواریخ*، تصحیح محمد مشیری، تهران: بی نا.
- ریاضی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، «جاده ابریشم: شکل گیری و پیشینه»، اثر، ش ۲، بهار و تابستان، صفحات ۴۸-۵۴.

۳۲ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۸

- سیرو، ماکسیم، (۱۳۵۷)، راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و راه‌های وابسته به آنها، مهدی مشایخی، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- شاردن، ژان، (۱۳۳۶)، سیاحت‌نامه شاردن، ج ۳، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- صفی‌الدین بغدادی، صفی‌الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق بغدادی، (۱۹۹۲)، مرصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، ج ۱، تحقیق و تعلیق محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- کروسینسکی، (۱۳۶۳)، سفرنامه کروسینسکی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، تصحیح مریم میراحمدی، تهران: توس.
- گدار، آندره و دیگران، (۱۳۷۱)، آثار ایران، ج ۱، ۴، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین، (۱۳۵۶)، مجمل‌التواریخ بعد نادریه، به کوشش مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- گیلانتز، پطرس دی سرکیس، (۱۳۴۴)، سقوط اصفهان: گزارش‌های پطرس دی سرکیس گیلانتز، ترجمه محمد مهریار، اصفهان: شهریار.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۶)، نزهت القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: طهوری.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- منوچهری، محمدرضا، (۱۳۸۷)، قلعه تاریخی مورچه خورت؛ دروازه ورودی به پایتخت کهن ایران، شرکت عمران و مسکن سازان منطقه مرکزی، تهران: سمیرا.
- ویلبر، دونالد، (۱۳۶۵)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
- هنرفر، لطف‌الله، (۱۳۴۴)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: ثقفی.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله، (۱۹۵۷)، معجم البلدان، بیروت: داربیروت.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۸۱)، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

منابع غیرفارسی:

- حاج‌سیدجوادی، سیدکمال، (۱۳۷۵)، مساجد ایران؛ دراسة تاریخیة، حضاریة، آثاریه، فنیة، الجزء الاول، طهران: دار سروش للطباعة و النشر و المعاونه الثقافیه وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
- Cristaler, Walter, (1966), *Central Places in Southern Germany*, Englewood Cliff, NJ; Prentic Hall.